



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگوس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۵۸۷۵ – شماره: ۸۸۶۷۷۴۶۹
توزیع: شرکت ناوآران جهان رسانه ایرسا – تلفن: ۸۸۸۲۳۳۹۰
امور فنی، آتلیه و لیتوگرافی: روزنامه شرق
چاپ گلریز: جاده قدیم کرج، فتح ۱۷، پلاک ۲۹، تلفن ۶۶۸۲۳۳۴۶



تصویر نوشار

ناصر فکوهی
fakouhi@yahoo.com



در ابتدای دهه ۱۹۸۰، هنگامی که هنوز انقلاب اطلاعاتی و مفهوم شبکه‌ای شدن و دیجیتالی شدن جهان، چندان مطرح نبودند، رولان زیان‌شناسی دوسوسور و یاکوبسن، درآمیزی گاه و بیگاه با نظرات ملهم از روانکاوی جدید لاکانی، در این دوره در اوج خود بود. اما پس از این دوره، نشانه‌شناسی، نقد ادبی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و فلسفه و در یک معنا تمام علوم انسانی و اجتماعی خود را ناچار دیدند برای درک جهان جدیدی که زاده شده بود و با سرعتی شگفت‌انگیز رشد می‌کرد و به یکدیگر نزدیک شده، رویکردی چند رشته‌ای و جهان‌گرا را پیش بگیرند. در این رویکرد بسیار زود مشخص شد برخورد و تحلیل انقلاب فناوری‌های جدید (انقلاب اطلاعاتی) به دلیل شکل و محتوای کاملاً متفاوت آن و به دلیل ارتباط تنگاتنگ آن با نظام‌های شناختی و زبان‌شناختی نمی‌تواند صرفاً بر اساس دگرگایی‌های تحلیلی انجام بگیرد که در تحلیل انقلاب‌های فناوریانه بزرگ پیشین (کشاورزی و صنعتی) یا حتی ابداع‌های فناوریانه دو قرن اخیر از جمله در حوزه رسانه‌ها (رادیو، تلویزیون و…) انجام بگیرد.

به عبارت دیگر ذات «فازی» و غیر دوگامی این انقلاب به‌رغم سادگی ظاهری دیدگاهی‌اش که در نظام فناوریانه‌اش مشاهده می‌شد (binary system)، مانع از آن بوده و هست که بتوان در این انقلاب لزوماً امری مثبت یا امری منفی را دید و حتی برتری نسبی یک بعد بر دیگری را مطرح کرد. از همین جا می‌توان رابطه دیجیتالی‌شدن جهان با حوزه فرهنگ را نیز در مجموعه‌ای از روابط پیچیده تعریف کرد که اگر مولفه ما برای مثبت بودن، خلاقیت و رشد کمی و کیفی مهارت‌های فرهنگی باشد و برعکس، هر دو نتیجه مثبت و منفی را می‌توان از این انقلاب انتظار داشت. در واقع، بسیاری از اندیشمندان جهانی شدن نظیر اپادورای، کاستلتر، هاروی، هابزبام و… معتقدند آنچه انتظار ما می‌کشد پیش از هر چیز به رویکرد خود ما یعنی به رویکرد جوامع مدنی در تداوم جوامع سیاسی دوران انقلاب صنعتی در برابر حوزه همونی اقتصادی سیاسی ـ فناوریانه بستگی دارد. منطق موجود در این حوزه، به گونه‌ای که در ۳۰ سال گذشته در عمل شاهد آن بوده‌ایم و به گونه‌ای که در گفت‌وهای زی‌بازاری شده اقتصادی (بازار آزاد و رفاه هر چه بیشتر)، سیاسی (گسترش بی‌پایان دموکراسی و آزادی‌های فردی) و فناوریانه (دسترسی هر چه بیشتر، سهولت و برابرت برای همه به فناوری‌های مدرن) ارائه می‌شود، متناقضی عمداً و نه همیشه، تقلیل برده است که به ظاهر از پتانسیل تقریباً بی‌پایان «تکرر» دفاع می‌کند و آن را از لحاظ «شکل» و ماهیت سطحی‌ترین معنایش پیاده می‌کند اما در واقع، پتانسیل تکرر را کاهش داده و الگوی «یکسان‌سازی» یا «شه‌بیه‌سازی» را به مثابه الگویی جهانی پیاده می‌کند تا مارژ سود را با تولید هر چه انبوه‌تر به حداکثر برساند. با این منطق بی‌شک فرهنگ نیز رو به سوی فقر می‌رود. مقوله‌بندی‌های فرهنگی که روی شبکه‌های انجام می‌گیرد و خود را در برنامه‌هایی بی‌پایان نشان می‌دهد (گوگل، فیس‌بوک، توئیتر، فلیکِر، ویکی و…) و حتی سیستم عامل‌های (ویندوز، اِن_اِس_اِس و…) به‌ستمه‌ای برنامه‌نویسی (لینوکس، …) در حقیقت اشکالی تقلیل‌دهنده هستند که بر اساس منطق «طرز» عمل می‌کنند و بر اساس منطق جذب قرار گرفته‌اند. با این وصف، همین ابزارها می‌توانند از قابلیت امرانه و تقلیل‌دهنده در حداکثر شدت خود (که در منطق ذاتی آنها نهفته و لزوماً حتی ابداع‌کنندگان‌شان نسبت به آنها آگاهی ندارند) به‌سوی قابلیت در آزادی و افزایش تکرر تا حد اکثر تا این آسوی طیف پیش روند و آن می‌تواند باز هم به کمک ابداع‌کنندگان انجام گیرد). معنای این سخن آن است که جهانی‌شدن می‌تواند یک دوزخ یا یک بهشت باشد و کلید این امر در دست خود ماست. موضوع جهانی‌شدن، نیازمند مباحث بسیار زیاد دیگری است که در آینده به آنها خواهیم پرداخت، اما بایامم اندکی بیشتر به تعمیق در مفهوم دیجیتالی‌شدن و رابطه‌اش با فرهنگ بپردازیم.

مفهوم اساسی دیجیتالی‌شدن، یعنی «دندی» شدن، از منطق دوتایی رایجانه‌ای است که همه چیز را به دو رقم صفر و یک یا «جریان» و «نبود جریان» الکتریک، با دو حالت تبدیل می‌کند و تمام مفاهیم و اشکال و دیگر پدیده‌ها بر اساس روابط متعدد این دو عدد و تکرارهای آنها می‌سازد. در ابتدای دوره دیجیتالی‌شدن، از این امر یک نتیجه‌گیری ساده شد که برخی افراد تا امروز هنوز از آن برای نفی این نظام و فرآیند استفاده می‌کنند. بر اساس این منطق، دیجیتالی‌شدن، به معنی سادگی تا نهایت بود، و این امر با همه مفهوم کاهش و تقلیل اندیشه‌ها تا به نهایت، این امر را خودی خود نادرست نبود کمالاتی‌که در اندیشه پیچیده‌ای و از آن مهم‌تر، زبان را به مثابه حامل و ذخیره‌کننده این اندیشه‌ها می‌توان به ساده‌ترین واحدهایش تقلیل داد. لوی استروس خود این امر را در مفهوم اسطوره نشان داده و جایی که زبان‌شناسان صورت‌گرا از «واج» یعنی کوچک‌ترین واحد زبانی صحبت می‌کردند او از «واحد اسطوره‌ای که بر اساس آن روایت‌های گوناگون با کاربدهای روابط گوناگون ساخته می‌شوند، صحبت می‌کرد. با وصف این، فرآیند، دیجیتالی‌شدن نشان داد چه از لحاظ فناوری با حرکت به‌سوی سیستم‌های فازی و چه از لحاظ رابطه انسان– رایانه از طریق قرار دادن زبان و استفاده گسترده از آن به عنوان یکی از پل‌های اصلی ارتباطی، لزوماً در جهان به سوی نفی سیستم‌های زبانی و زبان‌شناختی پیش رفته و بلکه حتی می‌تواند به گونه‌ای معکوس این سیستم‌ها را تقویت کند. امروز هر چند، صنعت کتاب کاغذی با یک بحران واقعی روبه‌روست اما هرگز شاهد تولید چنین تعداد بی‌شماری از «واژگان» و از زبان در تمام جاذبه‌های ممکن در حوزه رایانه‌ها نبودیم؛ روابط رایانه‌ای از خلال کلمات نوشتاری با صوتی و تصاویر– نامدها منتقل می‌شوند که در تمام این موارد سیستم‌های نشانه‌شناختی و زبان‌شناختی باید به کار بیفتند. از این رو می‌توان نتیجه‌گیری کرد که با افزایش این روابط لزوماً فرهنگ از کار نمی‌افتد، هر چند همواره این خطر وجود دارد که سطح آن رو به نزول و سقوط گذارد. بنابراین این توان مساله‌ای بیشتر به سطح مدیریت زبان یا شاید بتوان گفت مدیریت نشانه در سیستم‌های رایانه‌ای و شبکه‌ای که خود، ابرسیستم‌های نشانه‌شناختی هستند، بر دو امکان پیشرفت و شکوفایی فرهنگ یا سقوط آن را در چگونگی مدیریت این ابرسیستم‌ها در آینده نزدیک باید وادار دانست.

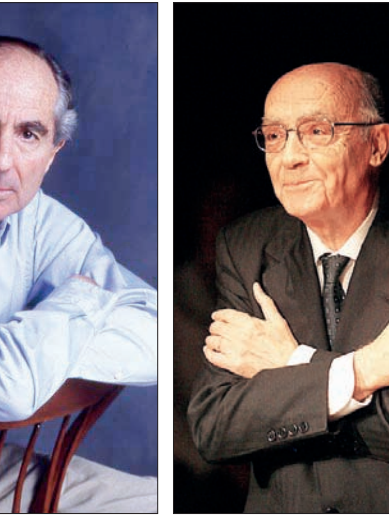
روزنامه

سال پنجم • شماره پیاپی ۱۰۵۵ • شماره ۱۳۱ دوره جدید • دوشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۸۹ • ۲۶ رمضان ۱۴۳۱ • ۶ سپتامبر ۲۰۱۰

آخر

گزارش آخر: پرفروش‌ترین کتاب‌هایی که هنوز منتشر نشده‌اند

سه نویسنده از سه قاره



امیلی امرایی: سال‌هاست که فروش آنلاین کتاب در سراسر دنیا باب شده است. گاهی وقت‌ها این فضای اینترنتی رقیب اصلی کتابفروشی‌های بزرگ می‌شود. اما پیش‌فروش کتاب‌های جدید در سایت‌های اینترنتی‌ای همچون آمازون یکی از ویژگی‌های خرید اینترنتی است. به این ترتیب درست همزمان با رسیدن کتاب به کتابفروشی‌ها می‌توان کتاب را به دست مشتری رساند. سایت آمازون در این زمینه یکی از پیشاتازان است. سه کتابی که در شش ماه دوم سال بسیاری در صف انتظار آن هستند و از طریق سایت آمازون اقدام به پیش‌خرید آن کرده‌اند مربوط به نویسندگانی است از سه قاره متفاوت و کتاب چهارم که فعلاً بیشترین طرفدار را دارد، اما هنوز قابل ثبت‌نام برای پیش‌خرید آن باز نشده مربوط به هاروکلی موراکامی نویسنده ژاپنی است.

امروزه روانه بازار کتاب می‌شود. تازه‌ترین اثرش گوتنر گراس با عنوان «واژه‌شناسی گرم» هم در این لیست بود که از دیروز به کتابفروشی‌های آلمان آمده است و نسخه انگلیسی آن هم توزیع شده و به این ترتیب «واژه‌شناسی گرم» از این لیست بیرون آمده است.

■ **یوسا و قسه یک مین پرست ایرلندی**

مارو بارگاس یوسا نویسنده مشهور پرویی، جدیدترین اثرش را آذرماه روانه بازار کتاب می‌کند.

این کتاب که با عنوان «روای سلتی» منتشر می‌شود درباره زندگی راجر کارمنت یک مین‌پرست مشهور ایرلندی است. «الفابورا» ناشر این اثر دیروز اعلام کرد یوسا ۱۴ساله نزدیک سه سال برای نوشتن این کتاب کار کرده و حتی سفری نیز به گنگو انجام داده است. این رمان روایتگر زندگی کارمنت است و اطلاعات درجه اولی از حقوق دادیده‌گرفته‌شد گنگو به عنوان مستعمره پیشین بلژیک در اوایل قرن بیستم ارائه می‌دهد. این کتاب که نامش با الهام از یک شعر به نام «روای سلتی» که توسط کارمنت سروده شده، انتخاب شده، ابتدا به زبان اسپانیایی و در بازار کتاب اسپانیا و امریکای لاتین منتشر می‌شود. «کارمنت» دوست جوزف کنراد نویسنده مشهور بود و به عنوان کنسول برتانیای در گنگو در اوایل قرن نوزدهم

تا روز ملی سینما: سینمای ایران و سینمای اکران

همه سینما در اکران نیست

هوشنگ گلمکانی



زندیک به یک دهه است که انتقاده‌ها از آنچه «سیر نزولی سینمای ایران» خوانده می‌شود تشدید شده است. این دوره کم‌بویش مه‌انزاه زمانی است که سازوکار اکران عمومی تغییر کرده و دیگر مانند دوره پیش از آن - یا به اندازه آن دوران - ساخته شد و فیلمی لزوماً به معنای تضمین نمایش عمومی آن نیست. در این سال‌ها، اتفاقاً به نظر نگارنده سینمای ایران نه‌تنها نزول نکرده بلکه خیلی هم رشد کرده و تجربه‌های نو در روایت و زیبایی‌شناسی فیلم‌ها بسیار بیشتر از گذشته است، اما همین مناسبات پختی و اکران باعث شده چنین نتیجه‌گیری شود که سینمای ایران نزول کرده، افت کرده، در حال نابودی است، ابتذال از سر پاایش می‌ریزد، همه در حال دل‌گدازند و از این جور حرف‌ها و تعبیرها و توصیف‌ها.

و با توجه به گسترده‌گی عرصه، کالاهای را در بساطشان می‌گذارند و خواهران پیشه‌دار داشته باشند.

این طوری شده که از یک دهه پیش، در صنعت سرگرمی ایران «دوران عامه‌پسند» آغاز و اینک حاکم شده است. با این حال چه بسیار فیلم‌های خوبی که در همین یک دهه، توسط بخش جدی و خوش‌فکر و ناویر همین نیروی انسانی جوانی که به عرصه اجتماع با گذشته‌ساخته‌ه‌و امکان‌نمایش نداشته‌است،قطعا پیش‌از دو دهه گذشته کسبه محترم‌ان را مناسبت بساط محدودشان نمی‌فاندد و فقط اجازه نمایش نمی‌گرفتند، بقیه فیلم‌ها رنگ پرده را می‌دیدند. این وضعیت تقریباً تا میانه دهه بعد هم ادامه داشت. بنابراین در آن دوره ظاهر و باطن سینمای ایران، خوب و بدش همای بود که روی پرده می‌رفت. بین سینمای ایران و سینمای اکران اصله و تفاوت چندانی نبود.

از هنگامی که شرط نمایش در جشنواره برای اکران حذف شد، به‌تدریج نسبت سینمای ایران با سینمای اکران هم درگیر گون شد و حالا تقریباً با هم به‌شدت شده‌اند. البته نفس برداشت شدن شرط جابرانه «اکران به شرط جشنواره» نه‌تنها بد نیست که خیلی هم خوب است، اما به هر حال وضعیت فعلی عارضه جانبی چنین تصمیمی است که همراه با عوامل مختلف دیگری خلق شده است. اوضاع اجتماعی و فرهنگی عوض شده، ماهواره و اینترنت از آسمان می‌بارد، شبکه نمایش خانگی بسیار فعال شده و خیلی چیزها نسبت به دو دهه قبلی فرق کرده. کاسب هم دنبال کسبی و سود بیشتر است، حتی با شعارهای فرهنگی. وقتی امکانات نمایشی اکران عمومی در مقایسه با عرضه محدود باشد، متصدیان بازار طبیعتاً کالایی را که خواستار بیشتری دارد و به‌اصطلاح بازاربان شریف و گرمی «شیرین‌تر» است در طبق جلوی بساطشان می‌گذارند. اهل تولید هم نگاه به همین بساط می‌کنند و چیزهایی می‌سازند

کاریکاتورپرست برنده جایزه پولیتزر در گذشت

پل کنراد که بیش از نیم‌قرن با کاریکاتورهای خود سیاستمداران از هری ترومن رئیس‌جمهور پیشین امریکا تا جرج دبلیو بوش را به سرخه می‌گرفت، روز شنبه در ۸۶ سالگی درگذشت. کنراد سه بار برنده جایزه معتبر پولیتزر در سال‌های ۱۹۶۶، ۱۹۷۱ و ۱۹۸۴ شد، اما شوشی‌هایش موجب شد نامش در فهرست سیه‌رچارد نیکسون نیز قرار بگیرد. کنراد در جمع کاریکاتورپرست‌های سیاسی زندگی می‌کرد و از بزرگان این رشته محسوب می‌شد. به‌فعلیت بیشترش به دلیل سبزیف طراحی کرد. بوش در حال بالا بردن یک سنگ بزرگ از یک تپه بود، روی سنگ نوشته شده بود «عراق» طراحی‌های کنراد ساد به‌شمار می‌شد. پرویز کرباندر ره چاره برای نزدیک‌تر کردن این دو طرح‌هایش شده است. پر از آب چشم.

روزنامه

سال پنجم • شماره پیاپی ۱۰۵۵ • شماره ۱۳۱ دوره جدید • دوشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۸۹ • ۲۶ رمضان ۱۴۳۱ • ۶ سپتامبر ۲۰۱۰

روزنامه

سال پنجم • شماره پیاپی ۱۰۵۵ • شماره ۱۳۱ دوره جدید • دوشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۸۹ • ۲۶ رمضان ۱۴۳۱ • ۶ سپتامبر ۲۰۱۰

زندگینامه «روح‌الله خالقی» منتشر شد

ایلنا: سرگذشت «روح‌الله خالقی» موسیقیدان و آهنگساز معاصر به قلم سیدابوالحسن مختاباد از سبوی انتشارات امیرکبیر منتشر و روانه بازار شد. در کتاب سرگذشت روح‌الله خالقی که در قطع جیبی و در ۱۷۰ صفحه تهیه و تنظیم شده است، مولف سعی کرده با بهره‌گیری از خاطرنوشت‌های «روح‌الله خالقی» ضمن بیان رویدادهای زمانه او به ویژگی‌های هنری و خاصیات درونی این استاد موسیقی بپردازد. مختاباد در بخش‌هایی از پیشگفتار این کتاب، در خصوص خالقی آورده است: ... زنده‌یاد روح‌الله خالقی این بختیاری را داشت که خود با قلم روان و صمیمی‌اش درباره ویژگی‌های کاری خود و دیگر اهالی موسیقی بنویسد.

تهران: اذان ظهر ۱۲:۰۳ اذان مغرب ۱۹:۴۳ اذان صبح فردا ۵:۱۴ طلوع آفتاب ۶:۴۱

منبع لایزال تعطیلی‌ها

سیدعلی میرفتاح
mirfattah@yahoo.com

کرگدن نامه

سه‌شنبه، اگر خدا بخواهد، نمایندگان مجلس تعطیلی علیده فطر را به ششور می‌گذارند و آن‌شاه‌الله به تصویب هم می‌رسانند. حقیر که نظرم در هیچ کجا و برای هیچ کس مهم نیست، اصولاً با زیاد شدن تعطیلات موافقم و می‌گویم از ملت دست و دلبازی مثل ایران و از نمایندگان لاژ و در خانه بازی مثل نمایندگان مخترم این دوره مجلس و از دولت چشم و دل سیری مثل دولت دهم پذیرفته نیست که برای اضافه کردن روز روز تعطیلی، سر در تقویم فرو کنند و دو روز را کنند که تعادل حفظ شود. واقعاً به این بزرگواران برانده نیست که این‌گونه نظر‌تنگی کنند و مو از ماست بکنند و از یک جای دیگر بدارند که حالا اینجا اضافه کنند. تعطیلی‌ها، باور کنید که به کسر متصل‌اند و با این یکی دو روز، بلکه یکی دو هفته، چیزی از ذخیرمشان کم نمی‌شود. تعطیلی‌ها، نمی‌گویم منبع لایزالی هستند که ته ندارند، اما می‌گویم این خست به خرج دادن و این حساب‌کشی و این کاستن برای افزودن، با خلیفتا ما ایرانی‌ها جور در نمی‌آید. واقعاً اگر یک روز فطر به سه روز بعد تبدیل شود، در جایی کم می‌آید؟ کم نمی‌آید هیچ، یک چیزی کم تلاش برای دولت می‌ماند. یکی به من بگوید کارمندان دولت روز بعد از فطر چه کار می‌خواهند بکنند که اگر خانه بمانند و سر کار نروند نمی‌کنند؟ کاش زودتر این کار بیرون از اداره و انجام تکلیف در منزل باطل می‌شد که امروز دهان منتقدان به افزایش تعطیلی را با آن می‌یستمی. یکم گفته باید برای جریان مصدق دست توی تقویم ببرند و مثلاً ۲۹ اسفند را که از زمان مصدق تعطیل بوده از قمرم به سیاه تبدیل کنند تا ملت آخرین روز سال را سر کار بیاورند و به وظایف خطیر خود عمل کنند. آن وقت همه فکر می‌کنند ستون کرگدن طنز است. آیا این طنز نیست که مردم را روز آخر سال سر کار بفرستند؟ از ۱۵ اسفند تا اول اردیبهشت، یکی به من بگوید کجا باز است؟ کی کار می‌کنند که از ۲۹ فروردین باید همه جادار باشد؟ حتی روزی که کسی حوصله کار ندارد، ضمن اینکه کارشناسان اقتصادی هم که پول ناچار و خرج ایاب و ذهاب و پول آب و برق و چای و قند و استهلاک ساختمان و… را روی یک کیف می‌گذارند و راندمان کاری و حاصل کار می‌کنند، صرف آن می‌کنند که دیگر، می‌بینند که صرفه این است که روزهای بیشتری کارکنان محترم خانه بمانند و به در زن و بچه برسند. عارض می‌کنم. همین روزنامه که تازه ما بلخ خصوصی است و حساب و کتابش و ضرر دولتی فرق می‌کند، صرف آن است که به بسته باشد و همه به سفر بروند تا اینکه سرر کار بیایند. سر کار که بیایند، علاوه بر اینکه کلی پول کاغذ و چاپ و این چیزها می‌شود، هم روزنامه‌نگاران چای بعد از افطار می‌خورند و دستشویی می‌روند و سیغون و هواسک برصرفت روشن می‌کنند و مه‌هایی‌ها را خاموش نمی‌کنند و بعد هم پرینت الکی می‌گیرند و تکی شخصی می‌گیرند و اختلاط الکی می‌کنند و بعضی‌هاشان سیگار دود می‌کنند و هوا را آلوده می‌کنند و… بدش هم تازه: می‌نویسند؟ حیف درخت که کاغذ شود و مطالب حقیر تویش چاپ شود. آیا نمی‌شد ما به جای این روزنامه عریض و طویل خانه می‌ماندیم و می‌رقیم توی اینترنت و هم‌دیگر را اد می‌کردیم و مطالب گرانتهایمان را به اطلاع هم می‌رساندیم و هر روز را تعطیل فطر می‌کردیم و تو خانه‌های خودمان با بیژمه و عرق‌گیر راکلی می‌نشستم و فرت و درت جایی می‌خوردیم و برای خودمان حال می‌کردیم که دیگر چشمان نگرانی نیست که دستشویی رفتن‌را تا کتور بیندازد؟

سکاس آخر

دفاع اسکورسیزی از کازان



خبر آنلاین: مستند «نامه‌ای به الیا» ساخته مارتین اسکورسیزی و کسب جوینز در بخش خارج از مسابقه و هفتمین جشنواره فیلم ونیز به نمایش در آمد. فیلم جدید اسکورسیزی یک ادای احترام شخصی به الیا کازان یکی از تاثیرگذارترین و در عین حال جنجالی‌ترین کارگردانان هالیوود و برادوی است که در عصر مک کاری جاسوسی کمونیست‌ها را کرد. اسکورسیزی در مستند یک‌سکاسه «نامه‌ای به الیا» که روز شنبه در بخش خارج از مسابقه این دوره جشنواره ونیز نمایش داده شد، کازان را به امیته با احساسات، مام و واقع گرانه او از نیمه‌الهام خود در اینکه یک فیلم‌ساز، معرف می‌کند. او به خصوص در مورد دو تا از شناخته‌ترین فیلم‌های کازان – «در بارانداز» یا «باز مارلون براندو» (۱۹۵۴) و «شرق بهشت» با بازی جیمز کازان (۱۹۵۵) – صحبت می‌کند. او در دوران نوجوانی تاثیر بسیار زیادی روی او گذاشتند. اسکورسیزی کمی پس از آنکه کازان در سال ۲۰۰۴ در ۹۴ سالگی در مینتن درگذشت، نوشت: «وصیف این مساله که تا چه حد تحت تاثیر فیلم‌های کازان بودم، غیرممکن است.» کازان گردان فیلم‌ها «آرنه‌د کاسی» و «گاو خشمگین» کازان را از زمانی شناخت که پسری جوان بود و نهایی به سینمایای نیویورک می‌رفت. وقتی هم که کازان در سال ۱۹۹۹ جایزه اسکار یک عمر دستاورد را دریافت کرد، اسکورسیزی و رابرت دونوئو در کنارش بودند. آن سال اعطای جایزه ویژه به کازان – که فیلم‌هایش برنده ۲۰ جایزه اسکار شده‌اند – جنجال زیادی به پا کرد، برای اینکه او سال ۱۹۵۲ در دوران مبارزه با کمونیست‌ها در امریکا با حضور در کمیته مبارزه با فعالیت‌های ضدامریکایی سنای امریکا به رهبری سناتور جوزف مک کارتی، هشت نفر از اعضای حزب کمونیست آمریکا که در آغاز فعالیت سینمایی خود با آنها در «گروپ تئاتر» همکاری کرده بود، لو داد. کازان دو بین سال‌های ۱۹۴۴ تا ۱۹۳۶ عضو حزب کمونیست بود، اما در اعتراض به فعالیت‌های حزب کناره‌گیری کرد. او تنها‌نلود بلکه بسیاری از دوستانش در هالیوود و دیگر روشنفکران امریکایی سابقه عضویت در حزب کمونیست را داشتند. لو دادن همکاران برای اکران گران تمام شد. هنوز بعد از این همه سال‌ش مشخص نیست چرا او حاضر شد در کمیته شهادت دهد، به خصوص که در ابتدا حاضر به انجام این کار نشده بود. اسکورسیزی می‌گوید: «در بارانداز» «شرق بهشت» و فیلم‌های کازان قالب شخصیت‌های دارای ظاهر فریبنده را که ستون هالیوود تا آن زمان بودند، شکست و لیدبستگی‌های غیر قابل‌اعتراف، روابط خانوادگی به مهریخته دنیا و حیزرزمینی تهاکاران را به سینما آورد. او می‌گوید: «این فیلم‌ها از دیدگاه احساسی و روانشناختی فراتر رفتند. اینها آدم‌هایی بودند که هر روز می‌دیدم و می‌شناختم. انگار دنیا‌یی که در آن زندگی می‌کردم اهمیت داشت.» کازان سال ۱۹۴۸ برای «اتفاق مردانه» و سال ۱۹۵۵ برای «در بارانداز» برنده جایزه اسکار بهترین کارگردان شد.

خودش معتقد است رمان «الیه انتقام» که به زودی منتشر می‌شود یکی از بهترین‌های کارنامه ادبی او خواهد بود.

■ **میراث ارژشمند یک نویسنده**

پرتغالی

ژوزه ساراماگو بعد از مرگش هم اثرگذاری‌اش را از دست نداده است. چند ماه پیش از مرگش با انتشار رمان «سفر فیل» به شدت مورد توجه قرار گرفت و بسیاری از منتقدان برجسته دنیا این اثر را ستودند. اما این روزها همسر او در دتارک سپردن آخرین رمان او به انتشارات هابیرکالیز است و قرار است نسخه پرتغالی و انگلیسی این اثر همزمان منتشر شود. پیلار داریو همسر او کار ویرایش نهایی این اثر و خواندن نسخه انگلیسی‌اش را به همراه داریو فو نمایشنامه‌نویس و نویلیست ادبی و رفیق صمیمی این نویسنده فقیذ انجام داده است.

ساراماگو در این رمان که نام «سفر اسلحه» را بر آن گذاشته، درباره تجارت سیاهی به نام قاچاق اسلحه حرف می‌زند. قهرمان اصلی داستان ساراماگو مردی است که مدام سفر می‌کند و پشت یاسن فرهای به ظاهر اداری جنگ‌ها و جان آدم‌هاش که قربانی می‌شود. این رمان به احتمال زیاد تا پایان زمستان میلادی منتشر می‌شود. او رمان دیگری با عنوان «نور آسمان» هم دارد که هنوز منتشر نشده است. او در سال ۱۹۹۵ و در ۷۳ سالگی، رمان «گوری» و در سال ۱۹۹۷ رمان «همه ماه‌ها» را منتشر کرد.

ساراماگو در سال ۱۹۹۵ برنده جایزه «کامو» شد و در سال ۱۹۹۸ توانست در ۷۶سالگی جایزه «نوبل» برای ادبیات را از آن خود کند. او این خبر را از مهماندار هواییابی شنید که سوار آن شده بود تا در بارگشت از نمایشگاه کتاب فرانکفورت، به مادرید نزد همسرش برود. این اولین باری بود که ادبیات به خصوص همین کتاب تازه «تواضع» باعث شده خیلی از منتقدان ادبی جهان فیلم‌پ را رت را به بردباری بیشتری دعوت کنند و در مقالات خود از او بخوانند کمتر بنویسند و یک عمر شهرتش را آخر عمری به باد ندهد. تقریباً قریب به اتفاق منتقدان ادبی دنیا از رمان «تواضع» خوش‌شان نایمده و این رمان ۴۰۰ صفحه‌ای را قابل مقایسه با هیچ‌یک از آثار پیشین این نویسنده صاحب‌نام امریکایی ندانستند. او در این حال راث

دغدغه روشنفکری: ترجمه «نظریه رئالیستی علم»

رئالیسم انتقادی اندیشه‌رهایبخش

عماد افروغ



من همیشه سعی کرده‌ام تاملات فلسفی داشته باشم. در همین راستا، با حوزه روش‌شناسی و شناخت‌شناسی مواجه شدم. من معتقدم که این مباحث همواره فضل تقدمی نسبت به مسائل دیگر دارند. هیچ معرفت‌شناسی ادعای این را ندارد که ابیتنا بر یکسری پیش‌فرض‌ها تاندار. حتی پوزیتیویست‌ها

هم نمی‌توانند بگویند که ما از مشاهده آغاز می‌کنیم. اینکه چرا از مشاهده باید آغاز کرد، خودش یک پیش‌فرض است. در تاملات فلسفی بنده، هم نقادی نسبت به پوزیتیویسم وجود دارد و هم به هرمنوتیک که فقط در فهم و تفسیر درجا می‌زنند و به تبیین نمی‌رسند. بنابراین به «رئالیسم انتقادی» رسیدم.

پیش‌فرض اصلی من این است: شرایط اجتماعی و فرهنگی و تاریخی تولید معرفت، بر محتوای معرفت اثر می‌گذارد. این امر بحث کلیدی است. در عین تعریف خاصی از علیت منضج می‌گیرد که در آن، جریان قابلیت تقلیل به روابط قابل مشاهده و انضمامی بین پدیده‌ها را کسب نمی‌کند. چه‌سپا پدیده‌هایی که می‌توانستند به وجود آیند، اما به وجود نمی‌آیند. در حال حاضر تمام دلمشغولی‌ام ترجمه کتاب «نظریه رئالیستی علم» می‌دانند که بسکالر بیانگذار اندیشه رئالیستی انتقادی است. نوشته روی بسکالر است. آنهایی که با فلسفه علم آشنا هستند، می‌دانند که بسکالر بیانگذار اندیشه رئالیستی انتقادی است. در روش‌شناسی بلکه امروز در سایر رشته‌ها با تاتی داشته است. در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی امروز این لنه انتقادی جایگاه شگتکمی دارد. واقع‌گرایی انتقادی هم منتقد نگرش‌های پوزیتیویستی است و هم منتقد اصحاب روشنفکری. واقع‌گرایی انتقادی اصل را بر رهایی‌بخشی

کیارستمی، تناولی، الخاص و آغداشلو حامی بیماران ام‌اس



هنرمندان سرشناس عرصه تجسمی را اینا آثار خود، نمایشگاهی سرورزه برپا می‌کنند که عواید حاصل از فروش آن را به نفع بیماران مبتلا به ام‌اس اختصاص خواهد یافت. درمان و حمایت از بیماران مبتلا به ام‌اس اختصاص خواهد یافت. هنرنوگرای ایران» عنوان نمایشگاهی است که با حضور بیش از ۴۰ هنرمند شاخص چهارشنبه ۲۴ شهریور به‌عوت گالری «همر»، آغاز می‌شود. این آینه‌کشنه جلوی حتمی مثل او رئیس‌جمهور شد و به کار خواهد کرد.و در آن آثاری عرضه می‌شود که توسط هنرمندان برای مشارکت در این رویداد خیرخواهانه در اختیار گالری قرار گرفته‌است. در میان اسامی هنرمندان نام‌های بسیار معتبری نظیر سیدمحمد احصایی، عباس کیارستمی، آیدین آغداشلو، هانیبال الخاص، پرویز تناولی، پرویز کرباندر، صافقت جباری، رضا کیاکان، یدالله کابلی، نصرالله افجه‌ای، فرح اصولی، گیزلا سینایی، پرویش

گنجی، جلال شایهنگی، نصرت‌الله مسلمیان، احمد وکیلی، بویا آریان‌پور، احمد نادعلیان، سیلوش مظلومی‌پور، نظری‌نوری، یونس نصیر، علیرضا سادتمند، فرح ابوالقاسم، فتح‌الله مرزبان، حسین کاشیان و… دیده می‌شود. آثار این نمایشگاه قرار است زیر قیمت واقعی‌شان عرضه شود تا توان خرید مجموعه‌داران و علاقه‌مندان بالا رود و امکان کم‌بیشتری به بیماران ام‌اس فراهم آید. کنار هم قرارگرفتن هنرمندان سه نسل معاصر ایران و نیز آثار متعوع در سبک‌ها و موضوعات مختلف از جاذبیت‌های دیگر این نمایشگاه است.نمایشگاه «هنر نوگرای ایران» به نفع بیماران مبتلا به ام‌اس تا جمعه ۲۶ شهریور دایر خواهد بود و علاقه‌مندان می‌توانند به

گالری ام‌ مهر و فوار آفریقا، خیابان نیلوفر مراجعه کنند.